

افتتاح ۴ نمایشگاه آثار هنری چوبی

نمایشگاه خوشنویسی و نقاشیخط روی چوب، زیر نظر اساتید برجسته این حوزه در فرهنگسرای اندیشه افتتاح شد. در این نمایشگاه هنری که با عنوان «پیوند» برگزار شده، مجموعه‌ای از چهار نمایشگاه با محوریت چوب در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است. این نمایشگاه قصد دارد به صورت تخصصی خوشنویسی و نقاشیخط روی چوب را زیرنظر محمدحسین اقبال‌پور و بیمان پیروی معرفی و

گفت‌وگوی «جام‌جم» با محمد خزایی، هنرمند نقاش و گرافیست انقلابی

سواد بصری گذشتگان بیشتر از ما بود



هنر انقلاب در آن دوران به‌شمار می‌آمد.

۴ دقیقاً مرکز تحول این هنرها بود و روح هنرهای تجسمی انقلاب در حوزه هنری آن زمان شکل گرفت.

حرکت خودجوشی بود که خیلی خوب شکل گرفت و رشد کرد اما متأسفانه این کار فقط دههٔ ۶۰ بود دهه‌های بعد دیگر این حرکت به دلایلی متوقف شد.

۴ آیا اداری شدن حوزه هنری بود که در توقف این حرکت تأثیر بیشتری داشت؟

بله. یکی از دلایل‌ها اداری شدنش بود. پیش از اداری شدن در میان آن همه افرادی که آنجا کار می‌کردند فقط یک نفر کارمند بود که کارهای

شناختن خویش از بنیادی‌ترین سفارش‌ها و فراخوان‌های بزرگان دین و اندیشه بوده؛ موضوع مهمی که هرگز کهنه نمی‌شود. در فرازهای پیش‌رو با یادآورد بخشی از میراث ملی ایرانیان بی‌گمان سرشار از افتخار و سربلندی و سرفرازی می‌شوید و از این‌که تا این اندازه از خودمان، فرهنگ و داشته‌های‌مان ناآگاه و کم‌آگاه و غافل و دورافتاده‌ایم افسوس می‌خورید و پر از انگیزه کوشایی می‌شوید برای بازشناسی داشته‌ها و پیگیری فرهنگ و شناخت درست و همه‌جانبه میراث با عظمت معنوی‌مان که در درازنای هزاره‌ها هرگز نبریده و قطع نشده و همواره زایا و متعالی و خودشکوفا بازآفرایی داشته و رشد کرده و چون روح یکتاپرستی دارد با ورود اسلام به اوج‌هایی افسانه‌ای و بی‌نظیر رسیده. فرازهایی از هم‌سخنی بیش از چهارساعته با دکتر محمد خزایی، هنرمند و استاد تمام دانشگاه را با شما مرور می‌کنیم و در گزاره‌های این گفت‌وگو که در انجمنی بس دل‌نشان و روح‌پرور برگزار شد، خواهید دید یادکرد این همه عظمت فرهنگی و هنری ایران در وجودمان روح نوجویی و آفرینشگری و سربلندی خواهد دید؛ پس با ما باشید.



۴ پرسش نخست را از هنر انقلاب آغاز کنیم؟

صحبت کردن درباره هنرهای تجسمی مشکل است چون مدت‌هاست خبر و حرف و حدیثی از این هنرها نیست، مخصوصاً هنرهای تجسمی انقلاب. می‌شود گفت به نوعی به تاریخ پیوسته‌است. در صورتی‌که هنوز زمان زیادی از هنر انقلاب نگذشته و ما داریم با آن زندگی می‌کنیم. هنرهای تجسمی، نقاشی و گرافیک و کاریکاتور و تصویرسازی و دیگر هنرها همزمان با انقلاب آغاز به رشد کردند هرچند پیش از آن هم آثاری داشتیم و هنرمندانی که کار می‌کردند اما خیلی محدود. با آغاز انقلاب بود که همه هنرها همگام با مردم وارد صحنه شدند. راهپیمایی‌ها معمولاً با تصاویری برگزار می‌شد که از امام و رهبران انقلاب کار شده بود. اتفاقاً از نخستین کارهای من نقاشی عکس امام بود که دست مردم در راهپیمایی‌ها دیده می‌شد یا کاری ۲در۳ برای فتح لانه جاسوسی کار کردم. منظور این‌که هنرهای تجسمی همگام و همراه مردم بود در انقلاب....

۴ به‌ویژه در دوران دفاع مقدس که حضوری موثر و تأثیری بنیادین داشت.

بله. دقیقاً همین‌طور است. این هنرها با جنگ تحمیلی، حرکت پرشایی پیدا کرد. البته پیش از جنگ در طول انقلاب، نهادهایی مثل سپاه و جهاد سازندگی فعالانه در هنرهای تجسمی کار می‌کردند. یادم هست یک دوره همراه با کسانی از سراسر ایران در جهاد دوره (هنرهای تجسمی) دیدیم که آموزش در همین دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه تهران برگزار می‌شد و چه دوره برپار و انگیزه‌بخشی بود. همچنین حوزه اندیشه و هنر اسلامی، حضور پررنگی در این هنرها از خود نشان داد با چاپ بوسترهای قطع کوچک با محوریت جنگ که همین تلاش‌ها به حرکت هنرهای انقلاب شتاب می‌داد. جالب آن‌که هنرمندان، همه‌شان جوان بودند. حوزه هنری به نظر من درواقع مرکز

تجربه‌ای متفاوت از هنر چوب را برای مخاطبان ایجاد کند. بر همین اساس در بخش «چوب‌خط» این نمایشگاه، آرش رحیمی، اجرای تعدادی از آثار خوشنویسی استاد جواد بختیاری را برعهده داشته و در بخش دیگری با عنوان «تلاقی قلم بر پیکره چوب» آثار اجراشده خوشنویسی روی چوب توسط محمدحسین اقبال‌پور به تماشا گذاشته شده است. همچنین در بخش دیگری با عنوان «رقص رنگ در آوند

چوب» آثار اجراشده نقاشیخط روی چوب توسط پیمان پیروی به نمایش درآمده و بخش «نغمه چوب» نیز به نمایش تعدادی از آثار معرق سبک تفکیک رنگ آرش رحیمی اختصاص دارد.نمایشگاه پیوند تا چهارشنبه ۲۴ خرداد در فرهنگسرای اندیشه ادامه خواهد داشت و علاقه‌مندان برای بازدید از آن می‌توانند از شنبه ۲۰ خرداداز ساعت ۱۰ الی ۱۹ به فرهنگسرای اندیشه مراجعه کنند.



ارزش‌ها، سنت‌ها و مفاهیم درونی هنرمندان شکل گرفته‌است. از قدیمی‌ترین آثار برجای‌مانده تا به حال، همواره دو خصوصیت ممتاز در هنر ایران به چشم می‌خورد؛ هنرمندان کمال مطلوب را به واقعیت و از طرف دیگر سادگی و خلاصه‌نگاری را به طبیعت‌گرایی ترجیح داده‌اند. هنرمندان تمایل داشته‌اند آن چیزی را که می‌خواستند نمایش دهند تا آن چیزی که دیده می‌شد. در اغلب آثار هنرمند علاوه بر شکل ظاهری به فضای منفی هم توجه داشته و همیشه ایجاد تعادل بین فضای مثبت و منفی اثر هنری را در نظر می‌گرفتند. این ویژگی‌ها در طول هنر ایران همواره قابل مشاهده است. به‌طورمثال نوع طراحی چین لباس نقش برجسته‌های تخت جمشید با چین لباس‌ها در نقاشی‌های دوره صفویه (۹۰۵۱۱۴۸ هـ) شبیه هستند. هرچند در ابتدای آشنایی فرنگی‌ها با هنر ایران این ویژگی‌ها را نمی‌پسندیدند مثلاً همین سادگی و خلاصگی هنر ایران را عیب می‌دانستند!

۴ چنین آثار پیش‌رو و نوآمندی نشانگر این است که سفارش دهندگان و مخاطبانش نیز بسی فهیم، آگاه، فرهیخته و دانشور بوده‌اند و سواد بصری نوجویی داشته‌اند. زیرا هنر متعالی و تأثیرگذار هرگز به خودی خود پدید نمی‌آید و باید زمینه و فضای تولید اثر، مساعد و آماده باشد تا بطلبد کاری متفاوت آفریده شود.

به همین علت می‌گویم سواد بصری گذشتگان از ما خیلی بیشتر بوده مثلاً سواد بصری هنرمندان و مردمی که در دوران صفویه می‌زیستند از ما در این دوران پیشرفته، بیشتر بوده‌است. آنها رنگ، فرم و مفاهیم را به خوبی می‌نسانند. همچنین خواندن برخی خط‌ها و خطاطی‌ها را که انسان امروز برای خواندنش مشکل دارد به‌سادگی برای‌شان قابل دریافت بوده‌است. مثالی از آثار عاشورایی یزمن در این باره که آیا یک هنرمند متوجه واقعه شده و به جایگاهش در تاریخ پی برده، چرا به چنین کاری پرداخته و... در علم‌هایی که در هیأت‌ها می‌بینیم که همیشه نقش چند مار در آنها دیده می‌شود. این مارها چیست و فرم درخت‌مانندشان از کجا آمده؛ وقتی ریشه‌یابی می‌کنیم درمی‌یابیم این همان درخت زندگی ساسانی است. می‌دانیم بنا به باورهای توحیدی پیش از اسلام نباید مار به این درخت برسد وقتی این مار را روی علم‌ها کار می‌کنند به این معناست که مار به شجره خدایی دست یافته و بر آن حاکم شده‌است. درواقع همان پنجه‌ای هم هست که شبیه به درخت کار می‌شود. این مار می‌گوید شجره طیبه نبوت ولایت به دست یزیدیان افتاده اما داخلش نقش ... و محمد و علی هست که نشان می‌دهد دین کاملاً از بین نرفته اما یزیدیان حاکم شده‌اند و دیگر آن دو پرنده که نگهبان درخت زندگی بودند از میان برداشته شده‌اند که همین گویای آگاهی پدیدآورنده این نشان‌ها از مفاهیم عمیق مذهبی و باورهای دیرین به‌اضافه سواد بصری است.

۴ نشان فرهیختگی‌شان یکی همین که تا شعری از قلم سعدی، حافظ و... می‌گذاشت. سراسر جهان آن روز مخاطبش بودند و با رسانه آن روز یعنی کاروان‌ها فراگیر می‌شد و این بزرگان طبق داده‌ها در جهان بزرگ ایران فرهنگی آن روزگار (سه برابر امپراتوری روم یا ایران در اوج‌شان)، آوازه و شهرتی بسزا داشته‌اند.

همین اتفاق (فراگیری سخن و شعر) درباره خط کوفی افتاده. اصولی که دارد از چین تا بغداد و مصر به همان شیوه کار می‌شده که نشانگر ارتباط و آگاهی فراگیر بوده و به نظرم خیلی با هنرهای تجسمی آشناتر از ما بودند. برخی فکر می‌کنند عمر هنرهای تجسمی ما تمام شده در حالی که خود این الفبای تصویری، یک فرهنگ است.



همه تلاش‌م این بود بپردازم به این میراث به جا مانده که برایش زحمت‌ها کشیده شده و خون دل‌ها خورده شده تا به دست ما برسد. همان‌طور که گفتم تحول‌آفرین است مثلاً

ما در طول ۶۰۰ تا ۷۰۰ سال پیش دارای زبانی

بصری هستیم که تازه در دهه‌های اخیر

در کشورهای متدمن به آن رسیده‌اند.

مثلاً دانشگاه ام‌آی‌تی پس از حدود

۳۰۰ سال که آرمش را تغییر داد،

خیلی روشن در نشان جدیدش به

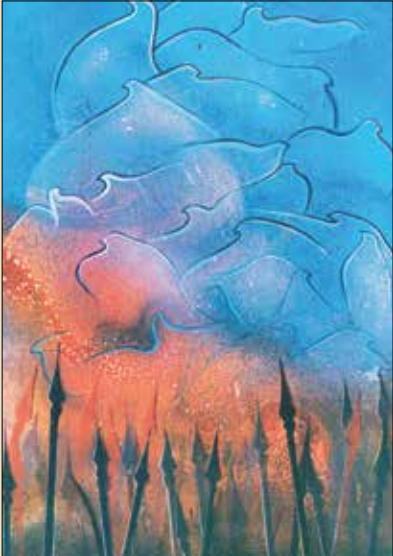
همان کوفی مربع رسیده که ما

بیش از ۳۰۰-۳۵۰ سال پیش

تجربه کردیم.

نقاشی ایرانی؛ همیشه پیش‌رو

نگاه امروز به متن هنری بسیار متفاوت از گذشته شده. پس این ژرفای هنر ایران را که مخاطبانش را با ابعاد ناشناخته و تازه و متفاوتش غافلگیر می‌کند، مثلاً ما یک‌سری کتاب‌ها با نام «مُرْقِع» داریم که آثار طراحی و نقاشی و خوشنویسی را در آنها می‌چسبانند. این گنجینه در کتابخانه ملی برلین است و بیش از پنج ده این مرقع‌ها به نمایش گذاشته نمی‌شد با این توجیه که اصول زیبایی‌شناسی در این آثار رعایت نشده‌است. مانند همان سخن نادرست درباره نقاشی شگفتار ایرانی که ایراد می‌گرفتند پرسپکتیو رعایت نشده و از این‌گونه داوری‌های ابتدایی، به کارنبردن پرسپکتیو و آگاهی نداشتن از آن، واقعا انگی بود که به نقاشان ایرانی می‌زدند.



البته ثابت شده ایرانیان از پرسپکتیو بسیار پیش از کسانی آگاهی داشتند که فکر می‌کنند مطلع هستند. حدود یک دهه پیش عکس‌های سیاه سفید پنج مرقع به نمایش گذاشته شد که در کتاب آخرم «طراحی ایرانی اسلامی» نشر سمت در حدود ۱۰۰۰ برگ به معرفی این مرقع‌ها پرداختم. این موزه که پس از ۶۰-۵۰ سال به این دانش می‌رسند که پرسپکتیوی که ادعا داشتند؛ چنان نیست و نبوده، به نمایش این آثار (شاهکار) روآوردند. منظور این که خلاصه نگاری و سادگی را در واقع جزو هنرهای کاربردی می‌شمردند در حالی که امروز می‌دانیم وقتی چشم، طرح و نقشی را می‌بینند، هرچه ساده‌تر باشد سریع‌تر منتقل می‌شود و مغز به آن واکنش نشان می‌دهد اما اگر هرچه مرکب، پیچیده و با جزئیات باشد، دیرتر به ادراک مخاطب می‌رسد. باور دارم که هنرمندان ما از این اصول آگاه بودند که کارها را چنین ساده و رنگ‌ها را به‌صورت تخت کار می‌کردند و جاهایی هم داریم که بسیار دقیق به‌آن پرداختند. مثلاً کاری در دست داریم از کمال‌الدین بهزاد که از روی یک کار نقاشی ایتالیایی بازنگاری و نقاشی شده‌است.

در قراردادی بین سلطان عثمانی و ایتالیا قرارشد دو هنرمند ونیزی در استانبول کار کنند که فقط بولینی می‌آید و در یک کدام از نقاشی‌هایش شاهزاده‌ای را ترسیم کرده که نقاشی می‌کشد سپس این کار را به دربار ترکمانان ایران می‌فرستند. بعدها که صفویه ترکمانان را کنار می‌زنند و کتابخانه تبریز در اختیار بهزاد قرار می‌گیرد، این نقاشی را دقیقاً کار می‌کند و البته بر لباسی که نقش فرنگی دارد، طرح ایرانی می‌زند و چقدر دقیق اجرا کرده که نشان از دانش بهزاد دارد.

همچنین یک جام سنگی با نقش ایزدان یونانی است که به دربار ایران می‌رسد و محمد خیام از روی آن به طراحی می‌پردازد. این دو را که کنار هم بگذارد، می‌بینید چقدر دقیق با رعایت همه اصول زیبایی‌شناسی کارشده که گویای دانش والای آن هنرمندان و پیش‌رو بودن‌شان است.

برخی کارهای ۳۰۰ سال پیش نقاشان ایرانی در رنگ و فرم با آثار امپرسیونیستی و مدرن معاصر چقدر برابری می‌کند با این فرق مهم که کار ایرانی، معنا و مفهوم دارد و فقط نقش عمودی - افقی و رنگ نیست. این کارها نشانگر عظمت و فرهیختگی هنرمندان بوده‌است.

«حج در آیین» قرآن و ادب»

نمایشگاه خوشنویسی «حج در آیین»ه قرآن و ادب» به هنرمندی کاوه تیموری همزمان با ماه ذی‌القعدة و تشریف زائران به سرزمین وحی از روز گذشته در موزه هنرهای دینی امام علی (ع) افتتاح شد. این نمایشگاه شامل ۷۰ اثر خوشنویسی به سبک نستعلیق شامل مضامین والای قرآنی و مرتبط با رسول اکرم(ص)، گزیده‌ای از روایات و اشعار با موضوع حج است.

تهی و سرشار به گالری مژده آمد

تهی و سرشار» عنوان هشتمین نمایشگاه انفرادی محسن کریمی است که روز جمعه ۱۹ خرداد در گالری مژده افتتاح شد.

آثار این نمایشگاه مبتنی بر مطالعات محسن کریمی بر فلسفه و هنر تطبیقی ایران، هند و شرق دور

استوار است. او که در زمینه مطالعات ایرانی، پژوهش‌هایی در زمینه مهرآیینی و اندیشه سهروردی داشته و در روش شناسی گرایش‌های پدیدارشناختی و هرمنوتیک دارد، به اتکای همین تمرکز به بررسی زیباییشناسی هنر ایران در آثارش پرداخته است.

کریمی آثارش را با بداهه‌نگاری‌هایی منحصر به فرد و نگاهی تطبیقی به هنر خوشنویسی و هنرهای تصویری ایران و شرق دور، خلق کرده و در این نمایشگاه ۲۲ اثر را متاثر از این فضا به نمایش گذاشته است.

محسن کریمی متولد ۱۳۶۴ در آمل است. او کارشناس ارشد رشته گرافیک و دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی در دانشگاه تربیت مدرس است که به مدت ۱۰ سال در دانشگاه‌ها و موسسات مختلف به تدریس دروس هنر پرداخته است. هشتمین نمایشگاه انفرادی محسن کریمی ۳۰ خرداد در گالری مژده میزبان علاقه‌مندان خواهد بود.



یادداشت‌های تصویری بهمن جلالی



این میراث ارزشمند و انتقال آن به نسل‌های آینده است. عنوان این مجموعه عکس، یادداشت‌های تصویری، برگرفته از دستنوشته خود بهمن جلالی در پشت یکی از عکس‌هایش است. این مجموعه که به عبارتی دیگر سفرنامه‌ای مصور است، بین

سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۸۰ گرفته شده و توسط خود هنرمند چاپ شده است. ارزش آنها نه به‌عنوان روایت داستانی از یک موضوع واحد، بلکه به نمایش گذاشتن عکس‌های کمتر دیده‌شده از یکی از تأثیرگذارترین چهره‌ها و مدرسان عکاسی کشورمان برای نسل‌های پس از اوست.

نمایشگاه یادداشت‌های تصویری تا سه‌شنبه ۳۰ خرداد در گالری راه ابریشم واقع در بلوار کشاورز، بین وصال شیرازی و قدس، ساختمان تکنواجر، پلاک ۲۱۰ برپاست.